



برساخت هویت ملی در میان دانشجویان دکتری

ساعده مصباحی مقدم^۱
حسین ابوالحسن تنهایی^۲
عالیه شکرپیگی^۳

چکیده

هدف: هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی برساخت هویت ملی دانشجویان دکتری با رویکرد کیفی و تکنیک نظریه زمینه‌ای بود. روش: ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساخت یافته بود. برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان، از روش نمونه‌گیری هدفمند و برای تشخیص تعداد افراد، از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. جامعه بررسی شده، دانشجویان دکتری مشغول به تحصیل در رشته‌های انسانی طی دهه گذشته بودند. یافته‌ها و نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها، شرایط علی این پژوهش، زبان، مذهب، ارزشمندی تمدن و اقوام موجود در ایران می‌باشند. ارزشمندی ملیت در عین نارضایتی، مقوله محوری است که در بستر ایدئولوژی و دموکراسی و موقعیت راهبردی ایران شکل گرفته است و دو مقوله سلطه جهانی و انسانیت ارجح بر ملیت، عوامل مداخله‌گر در این زمینه‌اند. آموزش مناسب و مطالبه‌گری و جایگاه مردم و تصمیم آگاهانه شخصی نیز مقوله‌های راهبردی معرفی شدند که پیامد و نتیجه این هماهنگی، انتخاب وطن برای زندگی و تمامیت ارضی و هویت ملی است.

واژگان کلیدی: هویت، هویت ملی، دانشجویان دکتری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹؛ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱.

۱. دکترای جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
۲. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز (نویسنده مسئول) / نشانی: سوهانک، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، دانشکده علوم اجتماعی / شماره: ۲۲۴۸۱۶۶۶ / Email: htanhai121@gmail.com
۳. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

الف) مقدمه

۱. بیان مسئله

تغییر و تحولات سریع و گسترده در قرن اخیر، ابعاد مختلف زندگی بشر را تحت تأثیر خود قرار داده است. به نظر می‌رسد یکی از چالش‌برانگیزترین تغییرات، دگرگونی در شناخت ابعاد هویتی مردمان روزگار ماست. به نظر برخی صاحب‌نظران حوزه اجتماعی، مفهوم هویت ملی پدیده‌ای نسبتاً جدید در علوم اجتماعی و سیاسی است که سابقه آن به تشکیل دولت-ملت مدرن در معاهده وستفالی ۱۶۴۸ برمی‌گردد. تا پیش از این حوادث تاریخی هویت‌های سیاسی عمدتاً در قالب‌های محلی‌گرایی، قبیله‌گرایی و فرقه و مذهب یا امپراتوری‌ها و امت تعریف و تبیین می‌شد. رابرت دان معتقد است که اهمیت و رواج فزاینده سازه هویت اجتماعی و مضامین مربوط به آن در دوران معاصر، ناشی از واقعیاتی است که دوران گذار (حرکت از جامعه سنتی به مدرن) نامیده می‌شود؛ دوره‌ای که تغییرات شدید هویتی را موجب شده است (دان، ۱۳۸۴: ۱۱۳). بنابر این، دولتها با تکیه بر هویت ملی، نظام ارزشی مد نظر خود را از طریق آموزش، تبلیغات و سایر ابزارهای جامعه‌پذیری به افراد معرفی می‌کنند و در پی شناساندن تاریخ و فرهنگ خود به مردمان سرزمینشان‌اند تا از این طریق به یکپارچگی در سطح ملی دست یابند.

با توجه به شرایط فعلی جامعه ایران و تغییرات وسیع و متعدد در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی، فناورانه و به خصوص فرهنگی، ایجاد تعلق به عناصر ملی به عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد وفاق در جامعه و البته مسئله‌ای که نسبت به آن غفلت شده، حائز اهمیت است. با این حال در مناسبت‌ها و مراسم مختلف، از جمله مسابقات ورزشی بین‌المللی یا راهپیمایی‌ها و جشنهای ملی که از نمادهای هویت ملی از جمله پرچم و سرود استفاده می‌شود، شاهدیم که علاقه و وابستگی عاطفی شایسته‌ای نسبت به این نمادها وجود ندارد یا جایگاه استفاده صحیح از زبان فارسی نه تنها در میان عامه مردم، بلکه در میان تحصیل‌کردگان و خواص نیز جایگاه ارزشمندی نیست. همچنین گاه شاهد هستیم در بسیاری از موارد تولیدات صنایع داخلی، حتی اگر به لحاظ کیفی نسبت به موارد مشابه خارجی خود برتری داشته باشند، علاقه و اصرار چندانی به مصرف آنها به صرف داخلی بودنشان وجود ندارد. این در حالی است که شاهدیم در برخی از کشورها، محصولات داخلی نه چندان با کیفیت، به صرف تولیدات داخلی آن کشور مورد حمایت و اقبال عامه مردم قرار می‌گیرند. همچنین اگر در کشورهایی که دولت-ملت‌سازی مدرن با موفقیت طی شده است، شهروندان خود را موظف به پرداخت به موقع و دقیق مالیات ۸ ساعت کار مفید روزانه و رعایت قوانین می‌دانند، یا اگر مردم ژاپن خود را موظف به تلاش و کوشش مضاعف برای موفقیت کشور در رقابت با دیگر قدرتهای اقتصادی می‌دانند، جملگی نشان از وجود یک هویت ملی قوی در کنار تعلق سرزمینی آگاهانه و چارچوب‌مند دارد که فراتر از تعلقات و هویت‌های خرد و درون ملی، تعریف می‌شود. با توجه به اینکه «هویت ملی» محور اصلی بسیاری از نظریه‌ها و پژوهشهای حوزه اجتماعی است، شناخت صحیح برساخته‌های هویت ملی، به خصوص در میان تحصیل‌کردگان این حوزه، به عنوان عناصر بالقوه مؤثر بر ابعاد فرهنگی جامعه، حائز اهمیت است.

۱. پیمان‌نامه‌ای پس از جنگهای سی‌ساله مذهبی در اروپا که مطابق آن کشورهای مستقل حق دارند سرنوششان را تعیین کنند، برابند و حق دخالت در امور یکدیگر را ندارند.

۲. پیشینه مطالعاتی

عنوان پژوهش	تحلیل جامعه‌شناختی هویت حرفه‌ای دانشجویان
پژوهشگران	حمید حیدری با راهنمایی دکتر احمد رضایی
دانشگاه مرجع	گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، ۱۳۹۱
مدرک و روش	کارشناسی ارشد، مطالعه موردی
مزایا و نواقص	استفاده از روش پژوهش کیفی و مبتنی بر نظریه مبنایی صورت گرفته است. بنابر این، با رویکردی استقرایی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شده است.
نتایج	هویت حرفه‌ای دانشجویان دارای دو بعد هویت علمی و هویت شخصی است. هویت علمی دانشجویان از طریق گرایشها و نگرشها و نیز تلاشها و کنشهای علمی دانشجویان شکل می‌گیرد. هویت شخصی نیز درک و تصویری است که دانشجو از خودش به عنوان یک کنشگر علمی در محیط دانشگاهی به دست می‌آورد. توسعه هویت حرفه‌ای با موقعیت فرد در درون جامعه در ارتباط است. از این رو، جنس پایگاه اجتماعی و اقتصادی، حمایت‌های خانواده و دوستان، محیط و شبکه‌های اجتماعی فرد در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای وی مؤثرند.

عنوان پژوهش	مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی در بین محلات شهر ارسنجان
پژوهشگران	سعید اسکندری، محمدرسلول گلشن فومنی
دانشگاه مرجع	دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، ۱۳۹۲
مدرک و روش	دکتری، پیمایش
مزایا و نواقص	به طور کل پژوهش به صورت خیلی کلان انجام شده و هم هویت ملی و هم فراملی با یک پرسشنامه سنجیده شده‌اند؛ در حالی که شاخصهای آنها با هم متفاوت است. در عنوان پژوهش حرفی از جوانان به میان نیامده، اما نتیجه‌گیری بر اساس نظر جوانان انجام شده است. همچنین عنصر تعلق اجتماعی جزء شاخصهای کلیدی سرمایه اجتماعی نیست، ولی در نتیجه به جای انسجام اجتماعی، به آن پرداخته شده است.
نتایج	نتایج به دست آمده از آزمونهای آماری، وجود رابطه بین هویت اجتماعی با هر یک از شاخصهای سرمایه اجتماعی را تأیید می‌کنند، البته بین سرمایه اجتماعی جوانان با هویت ایشان (هویت قومی، ملی، فراملی) همبستگی مثبت معنادار و نسبتاً ضعیفی وجود دارد. در بین متغیرها، متغیر تعلق اجتماعی با هویت اجتماعی، همبستگی قوی‌تر وجود دارد.

۳. ادبیات نظری

یک) ادبیات داخلی

در خصوص منشأ هویت ملی در ایران، نظریات مختلفی مطرح شده است که احمد اشرف در قالب سه رویکرد ذیل به تقسیم‌بندی آنها پرداخته است (اشرف، ۱۳۹۵: ۳۸-۲۷):

۱. **رویکردهای تاریخی به هویت ملی ایرانیان:** بر اساس آرای متفکرانی که هویت ملی را مفهومی متأخر و جدید می‌پندارند، هویت ملی محصول تلاش آگاهانه یک طبقه سیاسی برای ایجاد ابزاری است که ابقای قدرت و اعمال حاکمیت را تسهیل می‌کند. حسین بشیریه و داریوش آشوری در زمره این دسته از صاحب‌نظران‌اند.

۲. **رویکرد ملت‌پرستانه:** دیرینه‌گرایان، باستان‌گرایان و شونیست‌ها معتقدند اگر چه مفهوم هویت ملی در غرب پس از پیدایش دولت-ملت‌های اروپایی در قرن نوزدهم میلادی پدید آمد، اما این موضوع در خصوص کشورهایی همچون ایران، چین، هند و... که قدمت تاریخی گسترده‌ای دارند، صدق نمی‌کند. از جمله این افراد می‌توان میرزا فتحعلی آخوندزاده، سید حسن تقی‌زاده، حسین کاظم‌زاده ایرانشهر که به سخن‌گویی برای طرح مفهوم هویت در چارچوبی ایدئولوژیک تبدیل شدند و با بهره‌گیری از منابع غربی به طرح مفاهیم و نظریه‌های جدید پرداختند. (اشرف نظری، ۱۳۸۶)

۳. **روایت تاریخی‌نگر:** در این رویکرد، قبل از هر چیز، هم از نظر تاریخی و هم از نظر تحلیلی بین دو مفهوم «هویت تاریخی و فرهنگی ایرانی» و «هویت ملی ایرانی» تمایز قائل شده و در عین اینکه مانند نظر پست‌مدرنها، هویت ملی را متعلق به عصر جدید می‌داند و عطف به ماسبق کردن آن را نمی‌پذیرد، اما هویت تاریخی و فرهنگی ایران را مقوله‌ای تاریخی می‌داند که از دوران پیش از اسلام تا به امروز به شکلهای گوناگون بازسازی شده است (اشرف، ۱۳۹۰: ۹-۱۱). احمد اشرف جزء صاحب‌نظرانی است که بارویکردی تاریخی‌نگر به مسئله هویت ملی در ایران پرداخته و در کتاب «هویت ایرانی» به شرح و بسط این موضوع مبادرت ورزیده است. راه‌حلی که در این کتاب مطرح شده تمایز نهادن میان «هویت تاریخی ایرانی» و «هویت ملی ایرانی» است. به نظر مورخ بریتانیایی، اریک هابسبام، هم هویت قومی-مذهبی به شکلی پیشاناسیونالیستی در قالب هویت ایرانی-زرتشتی پیش از ورود اسلام و هویت ایرانی-شیعی پس از آن وجود داشته و به انسجام‌بخشی جامعه ایرانی کمک کرده است. (همان: ۲۵)

دو) ادبیات خارجی

در حوزه مطالعات مربوط به هویت، در مجموع می‌توان سه رویکرد هویتی ذیل را از هم تفکیک کرد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۲۱):

۱. **رویکردهای ذات‌گرا:** رویکردهای جوهر‌گرا برای هویتها، جوهری ثابت قائل‌اند. اینان چیزی را در چهره زیرین هویت می‌بینند و چهره زیرین را نیز ثابت و پایدار می‌دانند. پیروان نظریه «منش اجتماعی» و

«شخصیت اساسی» را باید در شعبات رویکرد ذات‌گرا در حوزه مباحث علوم اجتماعی به حساب آورد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۹). این رویکرد، هم‌جهت با نظریه ارسطویی است که ماهیت یا گوهر طبیعی یا ذاتی آدمی را مقدم بر وجود یا هستی وی می‌داند. (تنهایی، ۱۳۹۱: ۷۳)

۲. **رویکرد بر ساخت‌گرایی اجتماعی:** بر اساس آموزه‌های رویکرد بر ساخت‌گرایی، هویت از جایی نیامده و انسانها نیز آن را در جایی کشف نکرده‌اند، بلکه حاصل شرایط اجتماعی و کنش انسانهاست. این رویکرد برگرفته از اصل وجود‌گرایی (اگزیستانسیالیسم) یا اصل تقدّم یا پیشی وجود بر ماهیت گویای این معناست که تربیت یا خود‌کاوی، نااهل را اهل می‌کند. (همان: ۷۴-۷۳)

۳. رویکردهای جدید نسبت به هویت

نظریه هویت شبکه‌ای ایمانوئل کاستلز: کاستلز اعتقاد دارد که همراه با انقلاب فناوری و تغییر شکل سرمایه‌داری و سقوط دولت‌سالاری در ربع پایانی قرن، شاهد خیزش تظاهرات نیرومند هویت‌های جمعی بوده‌ایم که در دفاع از یگانگی فرهنگی و کنترل مردم بر زندگی و محیط زیست، فرایندهای جهان‌شمولی و جهان‌وطنی شدن را به مبارزه طلبیده‌اند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۸). بنابر این، هویتها مطلق نیستند، بلکه نسبی‌اند.

نظریه هویت اجتماعی آنتونی گیدنز: گیدنز معتقد است که با فرایند تجدد و گسترش فضای اجتماعی به واسطه رسانه‌های جمعی، امکان هویت‌یابی در چارچوب محدود و معین اجتماعی رو به کاهش است و در دنیای امروز، ما فرصتهای بی‌سابقه‌ای برای ساختن خویشتن و آفریدن هویت‌های مختصر خودمان در اختیار داریم. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶)

نظریه مدرنیسم فوکو: فوکو نشان داد فرد موجودی از پیش تعیین شده نیست که در چنگال قدرت گرفته شود. هویت و خصوصیات فرد، محصول رابطه قدرتی است که بر بریدن‌ها، چندگانگی‌ها، جنبشها، امیال و نیروها استوار می‌شود (تاجیک، ۱۳۸۴: ۷۰). بر خلاف ساختارگرایان که نظام زبان را تعیین‌کننده فرهنگ معنا و هویت می‌دانند، او نشان می‌دهد که چگونه کاربرد ضمائر زبان یا گفتمان، همواره با کاربرد قدرت همراه است و قواعد گفتمانی یا تشکلهای گفتمانی، بسته به شرایط اجتماعی و تاریخی تحت تأثیر قدرت یا قدرتهای مسلط تغییر می‌کنند. (بشیریه، ۱۳۸۳: ۹۲)

ب) روش پژوهش

این تحقیق با رویکرد کیفی و تکنیک نظریه زمینه‌ای انجام شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. تحلیل مصاحبه‌ها با اتخاذ روش تحلیل تفسیری اشتراوس و کوربین^۱ و انجام فرایند

۷۵۸ ✦ برساخت هویت ملی در میان دانشجویان دکتری

کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام پذیرفت. در کدگذاری باز، نسخه‌پردازی‌های مربوط به مصاحبه‌ها خط به خط بررسی شد و بر اساس برداشتهای پژوهشگر، هر خط در قالب یک مفهوم مرتبط کدگذاری شد. سپس در مرحله بعد، مفاهیمی که ایده مشترک داشتند، در سطحی بالاتر دسته‌بندی شدند و مقولات اولیه را تشکیل دادند. سپس بر اساس اشتراکات، در مقولات اصلی، دسته‌بندی و در الگوی پارادایمی داده‌بنیاد صورت‌بندی شدند. در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب افراد مصاحبه‌شونده و از نمونه‌گیری نظری^۱ برای تشخیص تعداد افراد استفاده شده است. نمونه پژوهش، ۱۸ نفر از دانشجویان و دانش‌آموختگان گروه علوم اجتماعی که در یک دهه پیش مشغول به تحصیل بوده‌اند، می‌باشند.

ج) داده‌ها و یافته‌ها

در این بخش، پس از کدگذاری باز که در واقع همان مفهوم‌سازی است، به سمت کدگذاری محوری و مقوله‌بندی مفاهیم اولیه حرکت می‌کنیم و در انتها نیز با توجه به الگوی پارادایم استروس و کوربین، مدل نهایی برساخت هویت ملی ارائه می‌شود. در کدگذاری محوری، با مجموعه‌ای سازمان‌یافته از کدها و مفاهیم اولیه مواجهیم که نتیجه بررسی دقیق و تفصیلی مقوله‌ها و مصاحبه‌ها در مرحله کدگذاری باز است. بنابر این، پرسشی که در مرحله کدگذاری محوری این تحقیق مطرح شد، عبارت است از: آیا می‌توان مقولات مختلف را درون یک توالی یا تسلسل سازماندهی کرد؟ جدول ۱، به ارائه مقولات اصلی این پژوهش پرداخته است.

جدول ۱: مفاهیم و مقولات عمده برساخت هویت ملی دانشجویان

ردیف	مقوله	نوع مقوله	مفاهیم
۱	واقع‌نگری نسبت به شرایط ایران	تعاملی	تعلق خاطر، انتقال عادلانه، نقد منصفانه عملکرد گذشتگان، تعهد افراطی، خلاف واقعیت، نقاط ضعف، پذیرش کلیت تاریخ، افراط و تفریط در تعلق به جامعه، محافظت غیر متعصبانه از جامعه، نداشتن نگاه آرمانی و بزرگنمایی، عدم تعصب برای ملیت، تلاش برای کاهش تعلق به جامعه.
۲	نارضایتی	پدیده	بی‌اهمیتی مردم، جایگاه نادرست شهروندی، عملکرد ضعیف حاکمیت، عدم وجود آزادی بیان، پارتی‌بازی، عدم استفاده از نیروهای تحصیل کرده و نخیه، نظارت ضعیف حکومتی، ترس از نقد حاکمیت، منتفع شخصی، نفاق در حرف و عمل مسئولان، رفاه حداقلی با وجود تحصیلات، بالا بودن هزینه در ایران، خودمحوری، زندگی به عنوان رعیت.
۳	جایگاه مردم در جامعه	راهبردی	نقش ملت، حضور مردم، دانشجوی مسلمان، عملکرد ملت، مطالبه‌گری، بزرگ‌ترین سرمایه، حضور ارادی مردم، منفعت مردم، تحصیلات زنان، عدم آگاهی، اهمیت جایگاه شهروندی.
۴	آموزش مناسب اجتماعی	راهبردی	عدم قضاوت دیگران، انتقال ارزشهای مذهبی ملی به خانواده، گسترش شهروندی، پذیرفتن حق در عین تفاوتها، رد سطحی‌نگری، جامعه‌پذیری ناقص نتیجه تربیت ناصحیح.
۵	موقعیت راهبردی ایران	زمینه‌ای	توع سرزمینی، رتبه بالا در معادن، وسعت سرزمینی، تناسب بین منابع و جایگاه بین‌المللی

1. Theoretical Sampling

ساعده مصباحی مقدم و همکاران ♦ ۷۵۹

			کشور، چهارراه تعاملی، آسیب‌پذیر بودن، موقعیت ایدئال، ماهیت خلیج فارس، وضعیت اقلیمی، تجاوز به مرزها، اهمیت همسایه مرزی، مؤلفه‌های تمدنی، حساسیت منطقه‌ای، امکانات طبیعی، تأثیرپذیری کشورهای همسایه، موقعیت برتر جغرافیایی.
۶	تصمیم آگاهانه شخصی	تعاملی	تأثیرگذاری شخصی در اجتماع، یافتن حقیقت، بررسی شخصی، انتخاب مشروط، بلوغ فکری، تلاش برای رفع مشکلات، دستاورد شخصی.
۷	حس اعتماد و بی‌اعتمادی	تعاملی	اعتماد به حرف رهبر کشور، اعتماد بیشتر به سیاست داخلی، عدم اعتماد به سیاستمداران خارجی، پذیرش حرف سیاستمداران بر اساس تحقیق، بی‌اعتمادی به سیستم سیاسی داخلی.
۸	تمامیت ارضی کشور	پيامدی	مدافع حکومت یکپارچه، از دست دادن بخشهایی از کشور در طول تاریخ، حفظ کامل کل ایران، بی‌عرضگی در از دست دادن بخشهایی از ایران.
۹	ایدئولوژی در حاکمیت	زمینه‌ای	انتخاب سیستم سیاسی بدون ایدئولوژی، اهمیت ایدئولوژی در حاکمیت، خطرناک بودن ایدئولوژی.
۱۰	ارزشمندی تمدن	علی	عبرت‌آموزی از گذشته، علاقه‌مندی به حفظ آثار باستانی، هويت فراتر از دوره‌ها، تأثیرپذیری از گذشته، اهمیت امانتداری تاریخی، ارزشمندی آثار باستانی تاریخی، جعل تاریخ، تأثیر سوء تاریخ بر جامعه امروز، تمدن طولانی، وجود ذخایر علمی، ایرانیان کاشف عناصر اریعه.
۱۱	زبان	علی	اهمیت زبان در حفظ ملیت، اهمیت زبان در تدوین قوانین، جایگاه زبان رسمی در سیستم آموزشی، اهمیت زبان در پیوند قومیتها، جلوگیری از تشتت، محوریت زبان فارسی در فرهنگ، در تضاد نبودن زبان قومی و ملی، عشق به زبان فارسی.
۱۲	اقوام	علی	حفظ خرده‌فرهنگها، تنوع فرهنگی، مای مشترک، ضرورت پذیرش قومیتها، کارکرد تنوع قومیتی، زیبایی در عین تنوع، اقلیمی بودن هموطن، درونگرایی اقوام، پذیرش دیگری، تفاوت‌های فرهنگی، همزیستی اقوام، غریبه، کوچ اجباری، جدایی طلبی.
۱۳	انتخاب وطن برای زندگی	پيامدی	ترک وطن به صورت موقت، عدم تمایل به ترک وطن، ماندن در وطن برای حفظ هويت خود.
۱۴	سلطه جهانی	مداخله‌گر	تأثیر حضور کشورهای غربی در ایجاد هويت غربی، انحصارطلبی علمی کشورهای قدرتمند، حذف دانشمندان سایر کشورها، تأثیر استعمار در جدایی طلبی.
۱۵	دموکراسی	زمینه‌ای	دموکراسی بهترین نوع حکومت، نقص دموکراسی غربی، انتخاب دموکراسی ایرانی.
۱۶	مهاجرت	راهبردی	انتخاب مهاجرت برای زندگی بهتر، علاقه‌مندی به سفر، کسب تجربه جدید، انتخاب مهاجرت به کشور دیگر، نداشتن افق روشن سبب مهاجرت، کیفیت پایین زندگی.
۱۷	مذهب	علی	توهین به سایر مذاهب، مناسبت‌سازی، حفظ حریم سایر مذاهب، اجبار در مناسک، افراط و تفریط مذهبی، آزادی در مسائل مذهبی، سوء استفاده از ارزشهای مذهبی، درونی شدن مذهب، عاملیت مذهب در تقویت و تخریب هویتی، ضعف در فرهنگ مذهبی، پابندی به اخلاقیات، کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی.
۱۸	انسانیت ترجیح بر ملیت	مداخله‌گر	تشریفاتی بودن مرزها، انسانیت فراتر از ملیت، مرزهای اعتقادی فراتر از مرزهای ملی، حسن ناسیونالیستی سبب ایجاد تفرقه در امت.
۱۹	ارزشمندی ملیت	پدیده محوری	اهمیت پذیرش نمادهای هویتی، حس تعلق به هويت ملی، ضرورت حفظ جامعه ملی، افتخارآمیز بودن هويت ملی، هزینه کردن برای کشور، تعهدآور بودن تعلق به جامعه، دفاع از وطن، دفاع از وطن تا پای جان، حفظ سنن ایرانی، دفاع از وطن در عین نارضایتی.
۲۰	هویت ملی ایرانی	پيامدی	هویت غربی، هويت اسلامی، هويت ایرانی.
۲۱	مطالبه‌گری	راهبردی	تلاش برای ساختن ایران، موفقیت ایران نتیجه انتخاب درست افراد، اهمیت جایگاه علمی ایران در دنیا، استفاده از تخصص برای کمک به جامعه، حرکت رو به جلو در ایران، عدم انفعال در مقابل مشکلات وطن، اصلاح جامعه، امیدواری به حفظ مدل جمهوری اسلامی، تأثیرپذیری از عوامل خارجی در جامعه.

۱. کدگذاری انتخابی

روند انتخاب مقوله اصلی به طور منظم و نظام‌مند و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند، انجام شد. در این مرحله به مقولاتی رسیدیم که از نظر خصوصیات بارز، ابعاد و روابط الگویی پیوسته، به آنها عمق و غنا بخشیده شده و حال باید به روابط بین مقولات در ارتباط با خصوصیات و ابعادشان توجه کرد (استروس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۱۹). بنابر این، هدف از کدگذاری انتخابی، ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری محوری است. این عمل معمولاً بر اساس الگو انجام می‌شود و به نظریه پرداز کمک می‌کند فرایند نظریه‌پردازی را به سهولت انجام دهد. اساس ارتباط‌دهی در کدگذاری انتخابی، بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دارد. در این تحقیق، کدگذاری انتخابی بر اساس استفاده از الگوی پارادایمی شکل گرفته و هدف اصلی این است که محقق را قادر کند به شکل نظام‌مند درباره داده و مرتبط کردن آنها تفکر کند. مقوله اصلی (مانند ایده یا رویداد محوری) به عنوان پدیده تعریف می‌شود و سایر مقوله‌ها با آن مرتبط می‌شوند. شرایط علی، موارد و رویدادهایی‌اند که به ایجاد و توسعه پدیده منجر می‌شوند. زمینه به مجموعه‌ای ویژه از شرایط و شرایط مداخله‌گر به مجموعه گسترده‌تری از شرایط اشاره دارند که پدیده در آن قرار دارد. راهبردهای کنش یا تقابل به اقدامات و پاسخهایی اشاره می‌کنند که به عنوان نتیجه پدیده رخ می‌دهند و در نهایت، ستاده‌های -خواسته یا ناخواسته- این اقدامات و پاسخها به پیامدها اشاره دارند.

عوامل علی: مقوله‌هایی همچون: اقوام، زبان، مذهب و ارزشمندی تمدن (که به اهمیت جایگاه مدنیت و سابقه ارزشمند و تاریخ طولانی ایران استناد می‌کنند)، به عنوان عوامل علی در ایجاد برساخت هویت ملی دانشجویان مطرح شده‌اند؛ زیرا ریشه و پایه نگرش هویتی هر شخصی در جامعه خود، منوط به شناخت و حفظ این مقولات است. مقوله اقوام به عنوان خرده‌فرهنگهایی که از زمانهای طولانی در فلات ایران شکل گرفته و با وجود همه تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی در کنار هم به مسالمت، مراودات و معاملات داشته‌اند، مطرح می‌شود، که همه آنها در عین شناخت خود به عنوان یک قومیت، خود را در مرحله بالاتر، ایرانی می‌شناسند و هویت قومی ایشان نه تنها مغایرتی با هویت ملی‌شان ندارد، بلکه مکمل آن است. مقوله زبان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل هویتی میان اقوام اهمیت دارد و در کنار آن، زبان رسمی نیز به عنوان پیونددهنده و عامل ارتباطی در کل کشور مطرح می‌شود. همچنین مقوله مذهب نیز به عنوان عامل وفاق و همستگی معنوی در جامعه ایران مطرح است و چنان با ملیت ایرانی آمیخته، که طبق نظر مصاحبه‌شوندگان، امکان جدایی بین این دو عنصر هویتی (ملیت و اسلامیت) وجود ندارد. اگرچه در برخی موارد، برنامه‌ریزی‌های ناصحیح سیاسی و فرهنگی، سبب ایجاد تضادها و تعارضات اجتماعی و سیاسی شده است.

زمینه‌ای: مقولاتی همچون دموکراسی و موقعیت راهبردی کشور و همچنین ایدئولوژی و چگونگی بهره‌برداری از آن است؛ زیرا سیستم فعلی حاکم بر جامعه ایران، سیستمی ایدئولوژیک برگرفته از مذهب

آمیخته با ملیت جامعه ایرانی است که با استناد به آموزه‌های این مذهب، سیستم سیاسی ایدئولوژی را با دموکراسی همگام کرده است.

مداخله‌گر: دو مقوله مداخله‌گر، روابط میان مقولات علی را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند که عبارتند از: سلطه جهانی و انسانیت ارجح بر ملیت. سلطه جهانی شامل همه تأثیراتی است که به صورت بیرونی در حفظ و انسجام ملیت‌گرایی تأثیر گذارند (از جمله: تحریمها، جنگها، حذف افراد مهم و تأثیرگذار علمی و سیاسی و فضای مجازی) و همچنین، مقوله انسانیت ارجح بر ملیت که مسئله اهمیت جایگاه انسانیت و رای ملیتهای مشخص شده و قراردادی است، که هم شامل نگرشهای مذهبی به مسئله امت اسلامی می‌شود و هم شامل نگرشهای انسان‌مدار، که محوریت پذیرش ارزشها، انسانیت انسان را فارغ از هرگونه تقسیم‌بندی قراردادی اجتماعی سیاسی مد نظر دارند.

تعاملی (کنش و کنش متقابل): مقولات اعتماد و بی‌اعتمادی (شامل اعتماد و بی‌اعتمادی به عناصر اجتماعی و منابع داخلی کشور یا به منابع خارجی) و واقع‌نگری، به شناخت واقعتهای موجود، اعم از منابع و نواقص می‌پردازند. اما آنچه در این میان از اهمیت زیادی برخوردار است، مقوله تصمیمات آگاهانه شخصی است. افراد در بزنگاهها بر اساس شرایط و اقتضانات موجود و نگرش شخصی خود، نسبت به انتخابهای اجتماعی و ملی اقدام می‌کنند و تأثیر شگرف خود را به عنوان یک شهروند فعال و تأثیرگذار، بر شرایط کشور می‌گذارند. این مقوله به عنوان یک مقوله تعاملی، نشان‌دهنده تأثیر جایگاه و عملکرد شخصی افراد و مؤید نظریه «خود» هربرت مید^۱ است. از نظر مید، مهم‌ترین ویژگی جوامع بشری، داشتن خودهایی است که برآیند هم‌فراخوانی ذهن اعضای جامعه و سازمان شبکه‌ای نقشهای اجتماعی است و بایستی توسط ذهن فهمیده شود و در احتسابی عمل‌گرایانه و در فرایند بازنگری خود، به کنش بینجامد. این دو مفهوم، در نگرش مید، از گوهری طبیعی، تجربی و اجتماعی برخوردارند و به ویژه با فراگرد تحلیلی دیالکتیکی قابل شناخت می‌باشند (تهایی، ۱۳۹۸: ۶۱). این انتخاب و تصمیم آگاهانه شخصی، توسط من اجتماعی یا همان *me* اتخاذ می‌شود که سلسله منظم و سازمان‌یافته نگرشهای دیگر آن است که هر کس می‌فهمد. (مید، ۱۹۷۴: ۱۷۵)

راهبردها: مقوله اصلی راهبردها، شامل آموزش مناسب آنچه انسانها برای پذیرش یکدیگر به عنوان یک هموطن باید بیاموزند، می‌شود؛ از جمله پذیرش دیگری که شامل همه اقوام ایرانی نیز می‌شود. همچنین مقوله جایگاه مردم، به عنوان یک موقعیت راهبردی مطرح است؛ زیرا طبق نظر مصاحبه‌شوندگان، یکی از مهم‌ترین پایه‌ها و ستونهای جامعه، مردم آن جامعه‌اند که حضور و جایگاه ایشان با توجه به راهها و اهداف مشترک چگونگی اداره آن جامعه، از اهمیت بسیاری برخوردار است. با بررسی بیشتر به نظر

۷۶۲ ♦ برساخت هویت ملی در میان دانشجویان دکتری

می‌رسد این مقوله نسبت نزدیکی با مفهوم «خود اجتماعی»^۱ هربرت مید داشته باشد. همان‌طور که مید می‌گوید: «بازی جمعی شرح موقعیتی است که از خلال آن، شخصیت سازمان‌یافته ظهور می‌کند؛ تا آنجا که کودک نگرش دیگران را می‌گیرد و به نگرش دیگران اجازه می‌دهد تا کارهایی را که قرار است با توجه به اهداف مشترک انجام دهد تعیین کنند. او عضوی اندامی از جامعه خواهد شد، روحیه جمعی جامعه را تحویل گرفته و از این پس عضو اصلی آن جامعه خواهد شد. فرد تا جایی متعلق به جامعه است که به نگرش دیگران اجازه می‌دهد تا بیان و ظهور مستقیم وی را کنترل کنند» (همان: ۱۵۹). خودی که درگیر چنین موقعیتی است، خود اجتماعی است و می‌تواند با گسترش و توسعه سازمان‌یافتگی جامعه، به خود منطقی یا آنچه خود ملی یا خودآگاهی ملی می‌نامد، گسترش یابد. مقوله مطالبه‌گری، در ادامه مقوله جایگاه مردم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به نوعی تکمیل‌کننده آنچه در مقوله جایگاه مردم بیان شد می‌باشد؛ به گونه‌ای که افرادی که در یک جامعه به خودآگاهی رسیده و جایگاه و حقوق خود را شناخته‌اند، برای به دست آوردن حقوق خود از نهادها و سازمانهای مسئول مطالبه حق می‌کنند. نمونه‌ای از شرح تبیینی «خود اجتماعی» مید را بیشتر می‌توان در تبیینهای تاریخی و سیاسی او دید. برای مثال، مید در شرح پایایی و ماندگاری تمدنهای آدمی، بر ضرورت کارکردی خود و خودآگاهی ملی تأکید می‌کند. در شرح فراز و نشیبهای تمدن اروپایی و آمریکایی نیز به همین ضرورت کارکردی خودآگاهی ملی اشاره می‌کند. او برای تحقق این امر معتقد است: «برای تحقق خود [ملی یا اجتماعی] حتی اگر لازم شود باید جنگید. لازم است دست کم این خطر جنگ را نگاه داشت؛ اما تحقق خود [ملی]، در اجرای هوشمندانه از کارکرد اجتماعی، بالاترین مرحله برای ملتها به مثابه افراد [جامعه] به شمار می‌آید» (همان: ۳۱۶) که تأثیر روحیه جمعی در تسهیل و اجرایی شدن این خودآگاهی، نقشی تعیین‌کننده دارد. اما مقوله مهاجرت، روی دیگری از سکه مقوله مطالبه‌گری است؛ در شرح آن می‌توان به این نکته اشاره کرد که افرادی که در اثر نارضایتی دچار بی‌اعتمادی شده‌اند و امیدی به اصلاح شرایط ندارند، خود را از موقعیتی که آنان را دچار مشکل کرده است، رها می‌کنند و عزم مهاجرت به نقطه‌ای دیگر از دنیا می‌کنند. در واقع؛ مهاجرت (به صورت دائم) در صورت ناامیدی از امکان برقراری شرایط مطلوب به وجود می‌آید و در بحث پژوهش ما، تحصیل‌کردگانی که در اثر نارضایتی از شرایط دچار بی‌اعتمادی نسبت به تغییر مثبت شده‌اند، برای مهاجرت دائمی اقدام می‌کنند.

محوری (پدیده): مقوله ارزشمندی ملیت در عین نارضایتی است. آنچه از داده‌های این مقوله دریافت می‌شود این است که مصاحبه‌شوندگان که تحصیل‌کردگان جامعه‌شناسی‌اند، ملیت و هویت ملی‌شان از ارزش ویژه‌ای برخوردار باشد، حتی اگر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورشان ناراضی باشند.

ساعده مصباحی مقدم و همکاران ♦ ۷۶۳

پیامدی: نتیجه و پیامد ارزشمندی ملیت، مقولات پیامدی‌اند؛ شامل انتخاب وطن، تمامیت ارضی و هویت ملی که هر کدام برگرفته از داده‌هایی‌اند که نشانگر اهمیت جایگاه ملیت و هویت ملی در میان مصاحبه‌شوندگان است؛ به گونه‌ای که حاضرند برای بهبود این شرایط، هر گونه هزینه مادی، علمی و حتی جانی را پردازند؛ چون خود را وابسته به کشورشان می‌دانند و ماندن در کشور را در شرایط فعلی، هزینه کردن برای وطن خود می‌دانند. بنابر این، اگر اعتماد ایشان به اصلاح شرایط بازگردد، سبب ایجاد و ترغیبشان به همکاری فعالانه برای رفع نواقص می‌شود. دربارهٔ مقولهٔ هویت ملی، از دیدگاه احمد اشرف، مفهوم تاریخی هویت ایرانی، در نهضت‌های قومی، سیاسی و دینی دوران ساسانیان شکل گرفت و در دوران اسلامی با فراز و نشیب‌هایی پایدار ماند و در عصر صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به صورت هویت ملی ایران متجلی شد (اشرف، ۱۳۷۸). بنابر این، هویت ایرانی به علت موقعیت خاص جغرافیایی، از سه حوزهٔ تمدنی ایرانی، اسلامی و غربی تأثیر پذیرفته است و راهبرد روشنفکران ایرانی، راهبرد اختلاط و پیوند این سه گفتمان در اشکال گوناگون و شکل دادن به هویت ترکیبی بوده است.



مدل نهایی زمینه‌ای بر ساخت هویت ملی دانشجویان دکتری

د) بحث و نتیجه‌گیری

توسعهٔ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور، نیازمند الگوهایی است که باید از خلال مطالعات علوم اجتماعی و انسانی با رویکردی به مسائل هویت ملی انجام شود. تبیین الگوی ایرانی در تعلیم و تربیت، الگوسازی برای تقویت رسانه‌ها با استفاده از منابع ملی و دینی، تبیین جایگاه ایران در فرایند جهانی شدن، تبیین الگوهای خودباوری و خوداتکایی ملی،

۷۶۴ ♦ برساخت هویت ملی در میان دانشجویان دکتری

الگوسازی برای تأمین و تضمین سلامت ذهن و روان جامعه و تقویت اقتدار ملی با تکیه بر «خودآگاهی ملی»، از جمله اهدافی‌اند که با ریشه‌یابی و بررسی چالشها و چگونگی نگرش و شناخت افراد جامعه نسبت به خود و هویت ملی و شناخت تجربیات و نگرشهای اجتماعی افراد مؤثر بر الگوسازی فرهنگی اجتماعی (که تحصیلکردگان و دانش‌آموختگان عرصه‌های اجتماعی باید در این زمینه‌ها صدرنشین باشند)، قابل دسترسی خواهد بود. بنابر این، به نظر می‌رسد با یافتن زیست‌جهان دانشجویان جامعه‌شناسی، در زمینه هویت ملی و شناخت ایشان از این پدیده ملی، می‌توان به شناخت بهتری در این باره دست پیدا کرد.

همان‌طور که بیان شد، مقولاتی چون زبان (ملی و قومی)، اقوام متنوع (با وجود تمام تفاوتها و تشابهات فرهنگی) که از دیرباز در فلات ایران در کنار هم قرار گرفته و ضمن روابط مسالمت‌آمیز و گاه رقابتی، پذیرفته‌اند که نام یک ملت بر آنها نهاده شود، مذهب و ارزشمندی تمدنی که شامل همه آنچه تمدن‌ساز است (اعم از تاریخ و ادبیات و آثار باستانی و اسطوره‌ها و...)، جایگاه ویژه‌ای برای ساختن یک ملت را دارند؛ که همه اینها در موقعیت و زمینه‌ای به نام سرزمین شکل می‌گیرند و با سیستمی که سازمان سیاسی یک کشور را اداره می‌کند، شناخته می‌شوند. مقوله زبان، یکی از مهم‌ترین عوامل پیوند اجتماعی است، به خصوص در جامعه‌ای مثل ایران که از قومیت‌های متنوع با زبان و گویشهای مختلف تشکیل شده است؛ زیرا هر کدام از این قومیتها از زبان قومی خود به منظور حفظ انسجام و شناخته شدن خود بهره می‌گیرند و در مرحله بالاتر برای ایجاد ارتباط و انسجام کلان‌تر، از زبان ملی بهره گرفته می‌شود. اقوام نیز به همین منوال جایگاه خود را در جامعه ایرانی دارند و تنوع وجودی و آمیزش فرهنگی‌شان سبب شکوفایی و غنای بیشتر فرهنگ ملی می‌شود. اما بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد برنامه ریزی‌های کلان ناصحیح و بهره‌برداری سودجویانه و تفرقه‌افکنانه خارجی در برهه‌های مختلف زمانی، سبب ایجاد اختلاف بین مرزهای قومیتی و ملی برخی اقوام ایرانی شده است. در حالی که اگر عدالت اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در همه جای کشور به صورت یکسان اعمال شود، کمتر قومیتی در ایران وجود دارد که تمایل به جدایی‌طلبی و استقلال داشته باشد. در مقوله مذهب هم این امر صدق می‌کند. از آنجا که مذهب در جامعه ایرانی یکی از فاکتورهای مهم ملی محسوب می‌شود، اقلیت‌های مذهبی به نوعی مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و این مسئله گاه سبب ایجاد نارضایتی در برخی اقلیت‌های مذهبی می‌شود. این در حالی است که بسیاری از دستاوردها و میراث فرهنگی، تاریخی ایران از این قومیتها برخاسته و جایگاه بلامنزاع ایشان را در تاریخ طولانی ایران برجسته‌تر می‌کند. بنابر این، آنچه امروز به عنوان ایران می‌شناسیم، ترکیب شگفت‌آوری از مقولاتی است که به زیبایی و تناسب با هم آمیخته‌اند و حذف و کوتاهی درباره هر کدام، سبب آسیب رساندن به ملیت ایرانی می‌شود. مقولاتی چون: موقعیت راهبردی و دموکراسی و ایدئولوژی که تصویری از موقعیت سیاسی و جغرافیایی ایران به دست می‌دهند، زمینه‌ای است برای بروز و ظهور عوامل علی ملیت ایران امروز. در طول تاریخ، موقعیت ویژه در مکانی که به عنوان مرکز انرژی دنیا شناخته می‌شود، تبعات خاص اقتصادی و سیاسی و امنیتی برای ایران ایجاد کرده است. همچنین وجود نظام حاکمیتی دموکراتیک و در عین حال ایدئولوژیک (و مناسبات میان این دو مقوله)، نمای متفاوتی از حاکمیت سیاسی را در دنیا عرضه می‌کند که سبب ایجاد موافقتها و مخالفت‌های بین‌المللی و تبعات فراوان سیاسی، اقتصادی و نظامی شده است.

ساعده مصباحی مقدم و همکاران ♦ ۷۶۵

با توجه به چالش‌های مطرح‌شده، مقولات تعاملی (حس اعتماد و بی‌اعتمادی، تصمیمات آگاهانه شخصی، واقع‌نگری نسبت به شرایط موجود) که نتیجه کنش و کنش متقابل عوامل موجود در این چالش‌هاست، نشان می‌دهد که حس اعتماد با بی‌اعتمادی مردم، بازخورد عملکرد درست یا نادرست کلان در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است و چنانچه این کنشها تأثیرات مثبتی در جامعه داشته باشند، کنش متقابل به صورت اعتماد نسبت به سیستم مدیریت داخلی نمود پیدا می‌کند و در مقابل، نسبت به عوامل تأثیرگذار و مداخله‌گری چون سلطه جهانی، بی‌اعتمادی به دنبال خواهد داشت و البته این موضوع می‌تواند به صورت برعکس نیز نمود یابد. این مقوله در کنار مقوله واقع‌نگری اجتماعی که به صورت منصفانه و حقیقی، واقعیت‌های جامعه را ارزیابی می‌کند، می‌تواند به تصمیمات آگاهانه شخصی منجر شود و شخص در واقع به دلیل بی‌اعتمادی به تصمیمات سیستمی، بر اساس تشخیص خود عمل کند. چنانچه این کنش آگاهانه به صورت فراگیر انجام شود، می‌تواند به صورت کنش مطالبه‌گرانه، زمینه تغییرات و اصلاحات اجتماعی را فراهم آورد. اما مقوله‌ای که نباید در بررسی‌های هویتی از آن غافل شد، اهمیت و ارجحیت جایگاه انسانیت نسبت به ملیت‌هاست؛ مسئله‌ای که برخی از پاسخگویان برای آن ارزش بسیاری قائل بودند و گاه در پذیرش، ملیت را در تناقض با ارزشمندی انسانیت می‌دانستند و آن را تقسیم‌بندی قراردادی ناعادلانه و مسبب ظلم و آسیب رساندن به سایر ملیتها می‌دانستند. در برخی موارد نیز به تداخل هویتی میان ملیت ایرانی اسلامی و امت اسلامی اشاره می‌شد که به نظر می‌رسد این پاسخگویان در تقسیم‌بندی و رتبه‌بندی میان اهمیت هر کدام از مقولات مطرح‌شده، دچار تداخل و تناقض بودند.

اما آنچه در نهایت از بررسی‌های انجام‌شده به دست آمد، مبنای اهمیت جایگاه هویتی تحصیل‌کردگان عالی‌جامعه‌شناسی در جامعه ایرانی است که برای آن ارزش زیادی قائل‌اند؛ در حالی که از شرایط موجود در جامعه، اعم از اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ناراضی‌تری نسبی دارند و گاه برای فاصله گرفتن از این شرایط به مهاجرت اندیشیده‌اند. اما آنچه به صورت قطعی برایشان از اهمیت زیادی برخوردار است، این است که به خاطر تعلق نسبت به جایی که در آن زندگی می‌کنند و نام وطن بر آن می‌نهند، با وجود همه کاستی‌ها و کمبودها، تعهد ویژه‌ای قائل‌اند. چنانکه برخی معتقد بودند در شرایط فعلی، ماندن در وطن، خود نوعی هزینه دادن است؛ زیرا با مهاجرت امکان دریافت شرایط بهتری برای زندگی خود و خانواده خواهند داشت. با این حال آنچه سبب ارزشمندی ملیت برای ایشان شده، جایگاه ارزشمند ایران و امیدواری برای ساختن آینده‌ای بهتر است. این مسئله تا حد زیادی به تأثیر کنشگران آگاه برای ایجاد تغییر در سیستم و نهادهای کلان اجتماعی اشاره دارد؛ به گونه‌ای که هر کدام از تحصیل‌کردگان به عنوان یک کنشگر آگاه نسبت به موقعیت و شرایط خود، آگاهی قابل قبول و مناسبی دارند و معتقدند با تغییرات اصلاحی در برخی جوانب مدیریتی کشور، امکان ایجاد شرایط بهتر برای همه کسانی که تحت یک پرچم و یک نام، نام ملت را بر خود می‌گذارند، فراهم خواهد شد و همه این موارد بسته به موقعیتی است که خود آگاهی‌های فردی به خود آگاهی‌های اجتماعی و ملی برسند و این منظور محقق نخواهد شد مگر با آموزش مناسب، ارتقای جایگاه مردم در جامعه و مطالبه‌گری اجتماعی (مقولات تسهیلگر) که نتایج و پیامدهای آن به صورت انتخاب وطن برای زندگی، تلاش برای حفظ تمامیت ارضی کشور و اهمیت هویت ملی ایرانی بروز خواهد کرد.



منابع

- استروس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۲). **اصول روش تحقیق کیفی**. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵). **هویت ایرانی**. ترجمه و تدوین حمیداحمدی. تهران: نی.
- اشرف نظری، علی (۱۳۸۶). «**ناسیونالیسم و هویت ایرانی**». *پورتال جامع علوم انسانی*، سال نهم، ش ۲۲: ۱۷۰-۱۴۲.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). **عقل در سیاست**. تهران: نگاه معاصر.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). **روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان**. تهران: فرهنگ گفتمان.
- تنهایی، حسین (۱۳۹۱). **بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی**. تهران: علمی.
- تنهایی، حسین (۱۳۹۸). **دستگاه نظری جرج هربرت مید**. تهران: بهمن برنا.
- دان، رابرت جی (۱۳۸۴). **بحران هویت**. ترجمه صالح نجفی. تهران: شیرازه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). **درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی**. تهران: کیهان.
- کاستلز، ایمانوئل (۱۳۸۵). **عصر اطلاعات قدرت هویت**. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). **جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: [بی‌نا].
- Ashraf Nazari, Ali (2007). "Iraaaan aa toaaassm add Ittttt t". *Comprehensive Protocol of Humanities*, Ninth Year, No. 22: 142-170.
- Ashraf, Ahmad (2016). **Iranian Identity**. Ttranslated and edited by Hamid Ahmadi. Tehran: Ney Publishing.
- Bashirieh, Hossein (2004). **Wisdom in the CIA**. Tehran: Contemporary View Publishing.
- Castells, Imanoeel (2006). **The Information Age of Identity Power**. Translated by Hassan Chavoshian. Tehran: New Plan Publishing.
- Dan, Robert J. (2005). **Identity Crisis**. Translated by Saleh Najafi. Tehran: Shirazeh Publishing.
- Giddens, Anthony (2005). **Sociology**. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran.
- Mead, G.H. (1974). **Mind, Self and Society**. Chicago: University of Chicago Press.
- Sarukhani, Baqer (1991). **Income from the Encyclopedia of Social Sciences**. Tehran: Kayhan Publishing.
- Strauss, Anselm & Juliet Corbin (2013). **Principles of Qualitative Research Method**. Translated by Buick Mohammadi. Tehran: Humanities Research Institute Publications
- Tajik, Mohammad Reza (2005). **Narrative of zeal and identity among Iranians**. Tehran: Farhang Gofman.
- Tanhayi, Hossein (2012). **Analytical Recognition of Modern Sociological Theories**. Tehran: Scientific Publication.
- Tanhayi, Hossein (2019). **George Herbert Mead Theoretical Instrument**. Tehran: published by Bahman Borna.

